**بنام خدا**

**وندالیسم به مثابه آسیب اجتماعی**

**با تاکید بر نقش مددکاران اجتماعی**

آزاد دارابی :دکتری مددکاری اجتماعی

مدیرگروه و مدرس رشته مددکاری اجتماعی دانشگاه علمی کاربردی کرمانشاه

**مقدمه**

تا کنون چندبار به نوشته های روی صندلی اتوبوس یا دیوارهای کلاس دقت کرده اید؟ چند دفعه از کنده کاری روی درخت ها و نوشتن یادگاری بر آثار باستانی احساس تأسف کرده اید؟ . رفتارهایی که هیچ تطابقی با قوانین زندگی اجتماعی ندارد **و در واقع در تضاد با ارزشها وهنجارهای جامعه هستند و امنیت روانی واجتماعی جامعه را برهم میزند ،به اینگونه رفتارها و اعمال خاربکارانه واندالیسم گفته می شود.**

امروزه در بسیاری از شهرهای بزرگ وندالیسم به صورت یک مشکل اجتماعی حاد مطرح است که نه تنها سلامتی امنیت جامعه را به مخاطره می اندازد بلکه هزینه های مالی گرانی را تحمیل مالیات دهندگان و ساکنین این شهرها می کند ـ برخلاف بسیاری از جرائم و انحرافات آثار وندالیسم مشهود و پیداست

علیرغم زیاد شدن موارد و خسارات وارده بر متعلقات عمومی و تأسیسات مناطق شهری خصوصاً در شهرهای بزرگ کشور دانش و اطلاعات منظمی از آن خصوصاً دامنه ابعاد گسترده علل و انگیزه ها موضوعات تحت تخریب و هزینه های مصروفه جهت تعمیر و یا تعویض وسایل، تجهیزات و تأسیسات صدمه دیده در اثر وندالیسم در دست نیست.

**وندالیسم مشتق از واژه ی وندال است. وندال نام قومی از اقوام ژرمن –اسلاوبه شمارمی رفت که درقرن پنجم میلادی درسرزمینهای واقع درمیان دو رود اودرو ویستول زندگی می کردند. روحیه ی ویرانگرانه ی قوم وندال سبب گردیدکه درمباحث آسیب شناسی کلیه ی رفتارهای بزهکارانه ایکه به منظور تخریب آگاهانه اموال،اشیاء و متعلقات عمومی و نیز تخریب و نابودی آثار هنری و دشمنی با علم و صنعت و آثار تمدن صورت می گیرد به گونه ای به وندالیسم منتسب گردد.**

**تعریف وندالیسم اجتماعی
وندالیسم در لغت به معنای هرج و مرج طلبی ضد شهری و تخریب اموال عمومی است و در متون جامعه شناسي، به مفهوم داشتن نوعي روحيه بيمارگونه که موجب تمايل به تخريب آگاهانه و ارادي اموال، تأسيسات ،متعلقات عمومي و** اماکن عمومی  بهصورتیمستمرومداوم**می باشد**

امروزه پدیده ی تخریب اموال عمومی یا وندالیسم، از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار می گیرد؛ روانشناسان به علل روانی و تربیتی آن پرداخته اند، جامعه شناسان این پدیده را نوعی ناهنجاری اجتماعی تعریف می کنند که می تواند ناشی از شکاف طبقاتی باشد، کارشناسان علوم اقتصادی درصدد برآورد هزینه هایی هستند که بر جامعه وارد می کند و بالاخره مدیران و برنامه ریزان شهری در فکر طراحی و جایگزین کردن وسایلی هستند تا هم انگیزه های رفتارهای وندالیستی را کاهش داده و هم در برابر این قبیل رفتارها از مقاومت و استحکام بیشتری برخوردار باشند.

**وندالیسم به مثابه آسیب اجتماعی**

کجروی اجتماعی به مفهوم رفتاریست که که به طریقی با انتظارات مشترک اعضای یک جامعه سازگاری ندارد و بیشتر افراد آن را نوعی سرپیچی می انگارند.

اگر تخریب ارادی اموال عمومی را به عنوان یک مسئله اجتماعی و یک کجروی تعریف کنیم ،شاخص ما برای این دسته بندی، عدم تطبیق این عمل با الگوهای رفتاری مرسوم و معروف جامعه و نیز ارزشهای حاکم بر جامعه است.

**از دیدگاه اجتماعی وندالیسم را می توان در پنج گروه دسته بندی کرد**

|  |
| --- |
| 1:مال اندوز، 2:تاکتیکی، 3: انتقام جو،4:تفریحی 5: خصومت.  |

اکثر وندالیسم ها در یک یا چند گروه از این دسته بندی جای می گیرند، که در زیر به توضیح هر کدام از این انواع پرداخته می شود

**:1. وندالیسم مال اندوز**: صدمه های وارده دراین نوع، برای کسب پول و اموال است . شخص وندال در این حالت تنها در اندیشه ی مال خود کردن اموال عمومی است. مانند : کندن و برداشتن علایم راهنمایی ، آرم اتومبیل ها ، تلفن عمومی و..

.**2. وندالیسم تاکتیکی:**این نوع وندالیسم بیشتر از حصول دارایی، در پی به دست آورن مقصود خاص است. خسارت وارده لزوماً بیانگر خصومت نیست و اغلب هدف تخریب، دلخواه و آزاد انتخاب می شود، مانند برخی از اعمالی که برای جلب توجه مردم انجام می گردد؛ به طور مثال ولگرد ها و بی خانمان ها برای به دست آوردن جای خواب وغذا اقدام به شکستن شیشه ها می کنند

**.3. وندالیسم انتقام جو**: تخریب اموا ل به قصد انتقام از انواع مهم و شدید وندالیسم به حساب می آید . دراین جا، فرد وندال در صدد تخریب واقعی و کامل آن وسیله است چرا که فقط با همین کار است که آرام می گیرد

**.4. وندالیسم تفریحی:**دراین نوع وندالیسم،یک قانون شکنی محض وجود دارد. فرد وندال رفتار تخریب گرایانه ی خود را صرفاً برای تخلیه ی هیجانی انجام می دهد. به طور مثال، هدف قرار دادن چراغ پارک یا تیر چراغ برق کوچه ها

**.5. وندالیسم خصومت**: مثالهایی ازاین نوع وندالیسم خشن و وحشیانه عبارتند از : خط کشیدن روی بدنه ی اتومبیل، بیرون کشیدن گُل های پارک، آزار دادن حیوانات و جانوران تفریحگاه های عمومی، پنچرکردن لاستیک اتومبیل ها، قرار دادن موانع بزرگ روی خطوط راه آهن و پرتاب سنگ به شیشه های قطار.

**آلات ، ابزار و وسایل تخریب وندال ها:**

وندال ها غالباٌ از وسایل وابزار مختلفی در تخریب و نابودی موضوعات مورد نظر خود استفاده می کنند از آن جمله می توان به: آلات **برنده نظیر چاقو و قیچی و ابزاری مانند آچار ،پنجه بوکس،کلید ،میخ،ناخن گیر،سنگ،مواد رنگی،جوهر، انواع اسپری های رنگی،تیرکمان ،تفنگ ،مواد شیمیایی ،قیر،چسب،مته،دریل و نظایر آن اشاره کرد**.



**برخی از موضوعات و مظاهر وندالیسم**

* نوشتن روی در و دیوار شهر و مؤسسات عمومی .
* پاره کردن صندلی اتوبوس های شهری و مترو.
* تخریب ایستگاههای اتوبوس.
* آسیب رساندن به باجه های تلفن عمومی.
* شکستن لامپ ها و چراغ های خیابان.
* شکستن درختان و چیدن گل و گیاه پارک ها.
* صدمه زدن به تأسیسات و امکانات ورزشگاهها.
* کندن علایم راهنمایی و رانندگی.
* نوشتن یادگاری بر روی اموال عمومی یا نگارش جملات زشت و ترسیم تصاویر ناپسند
* سرقت وسایل عمومی حتی اگر آن را دور بیندازند مثل دزدیدن شیرهای دستشویی های عمومی

عقده روانشناسان و جامعه شناسان

**به عقیده ی روان شناسان،**

وندالیسم را می توان نوعی از تخلیه ی روانی و هیجانی دانست. در واقع وندال کسی است که به نوعی از یک خشم درونی رنج می برد. بسیاری از روان شناسان اجتماعی معتقدند اگر چه وندالیسم ریشه در عدم سلامت روانی افراد و ناکامی های آنها دارد، اما تخریب اموال عمومی نوعی انتقام جویی در برابر کمبودهای رفاهی و اجتماعی است که افراد از جامعه ی خود انتظار دارند. در چنین وضعیتی، افراد خود را در برابر حفظ و نگهداری اموال عمومی در شهر مسئول نمی دانند. این قبیل رفتارها در سنین نوجوانی و جوانی بیشتر به چشم می خورد، به همین خاطر است که مدارس و حتی دانشگاه ها، یکی از جولانگاه های وندال هاست،

روانشناسان محیط نگر براین باورند که سلامت روانی شهروندان تا اندازه ی زیادی مرهون آرام بخشی محیط شهری و تناسب مبلمان شهری با نیازهای عاطفی و روانی آنان است. مشاهده ی اموال عمومی تخریب شده و مبلمان شهری از شکل افتاده، زمینه ساز استرس، اضطراب و دلزدگی شهروندان از محیط شهری و مهم تر از همه کاهش حس تعلق اجتماعی و روانی نسبت به شهر می باشد. به همین خاطر است که در شهرهای مهم دنیا به خصوص شهرهایی که از پتانسیل گردشگری بالایی برخوردار می باشند، سریعاً آثار و نشانه های وندالیسم از بین می رود تا در ذهن و نظر شهروندان و گردشگران اثر سوء بر جای نگذارد. (اورعی،1386)

به عقیده جامعه شناسان

درشرایطی که همبستگی متقابل فرد و جامعه از میان برود و فرد نتواند به کمک مکانیزم ها و ابزار هایی که جامعه در اختیارش قرار می دهد به اهدافش دست یابد، در نتیجه از راه های دیگری که خلاف است سعی می کند به آن اهداف برسد. در نتیجه می گوییم که فرد نابهنجار شده است و وقتی این حالت به صورت عام در جامعه شیوع پیدا می کند می گوییم جامعه دچار آنومی یا نا بسامانی گردیده است .به عبارت دیگر، با از بین رفتن یا ضعیف شدن ارزش ها و هنجارها، اعضای جامعه دیگر ارزش ها و اهداف مشترکی را قبول ندارند. شاید بتوان گفت بی هنجاری هنگامی به وقوع می پیوندد که فرد قادر نباشد با وسائلی که جامعه مشخص کرده به اهداف خود دست یابد و عکس العمل طبیعی این وضعیت روی آوردن به این انحراف رفتاری است.

**علل وندالیسم**

***1) :عدم‏ امکان تخلیه هیجانی در مردم***

:همه افراد بشر نیاز دارند تا در مواقعی‏ هیجانات خود را تخلیه کنند،در مواقعی بلند بخندند یا گریه کنند. فریاد بکشند،یا حتی برخی اعمالی را انجام دهند که با سن و یا موقعیت اجتماعی‏ شان سنخیت کامل نداشته باشد،مثلا انجام‏ برخی از شیطنت‏ ها در سنین بزرگسالی.

*:2) احساس تضاد و تعارض منافع با سیستم****:***

 هنگامی که افراد با سیستمی که در آن حضور دارند احساس تضاد داشته باشند و منافع خود را با منافع سیستم در تعارض بدانند، دست به رفتارهای‏ تخریب‏ گرانه می‏ زنند. این افراد به دلیل عدم احساس همنوایی با جامعه و امکانات موجود در جامعه به تخریب اموال می‏ پردازند.

***:3) عدم آموزش‏ رفتارهای صحیح و به عبارتی آموزش مهارت‏های زندگی‏ در خانواده***

***:*** این علت‏ شامل آن دسته از افرادی است که جزء شهروندان عادی جامعه‏ محسوب می‏ شوند و در شرایط خاصی که معمولا توسط محیط ایجاد می‏ شود دست به رفتارهای تخریب‏ گرایانه می‏ زنند. این‏ افراد هیچ‏گاه نیاموخته‏ اند که مدرسه، خیابان، تلفن عمومی، اتوبوس و غیره اموالی هستند که در حقیقت متعلق به خود آن‏هاست‏ و برای تعمیر مجدد آن‏ها، خودشان هستند که باید به صورت‏ غیرمستقیم هزینه های مربوطه را پرداخت کنند. از طرفی خانواده نیز به آنان‏ نیاموخته است که هنگام عصبانیت و پرخاشگری چگونه رفتارشان را کنترل‏ کنند. آموختن مهارت‏های زندگی و مهارت‏های سازگاری در خانواده به افراد در جلوگیری از بروز فتارهای تخریب‏گرایانه نقش‏ بسزایی خواهد داشت.

***- 4تغییرات سریع اجتماعی و ظهور فناوری های مدرن***

اگر چه بسیاری از مشکلات انسانها را رفع کرده است، اما در برخی زمینه ها نیز ره آورد از خود بیگانگی را به ارمغان آورده که این امر به توسعه ی رفتارهای وندالیستی دامن زده است.

**-5 عدم مشارکت اجتماعی شهروندان**

از دیگر عوامل موثر در بروز وندالیسم می باشد. عدم مشارکت مدنی، شهروندان را نسبت به کالبد شهر بی تفاوت بار می آورد، به گونه ای که  حتی اگر خودشان هم به رفتارهای تخریبی نپردازند، در صورت مشاهده ی این قبیل رفتارها از سوی دیگران، واکنشی ازخودنشاننخواهندداد.

**6- خودنمایی در گروه دوستان**

در این حوزه، آسیبی جدی است و بسیار پیش می‌آید که عده‌ای از دانش آموزان سوار بر اتوبوس به پاره کردن روکش صندلی‌ها می‌پردازند یا در ایستگاه اتوبوس شیشه‌های جداره ی سرپناه را می‌شکنند تا قدرت بازو و جسارت خود را به رخ همسالان کشانده و جلب توجه و خودنمایی کنند.

**7- تضاد طبقاتی**:

هنگامی که یک جامعه دچار تضاد و اختلاف طبقاتی می‌شود، تفاوت‌های پنهان در لایه‌های درونی زندگی نظیر تربیت خانوادگی، نگرش فردی و اختلاف در جنبه های اخلاقی و عقیدتی در رفتارهای ساکنین شهر تجلی می‌یابد و به حوزه‌های ملموس زندگی و رفتار اجتماعی کشیده می‌شود. در چنین حالتی، سازه های موجود در مناطق شهری مرفه نشین بیش از پیش در معرض تخریب وندال ها قرار خواهد گرفت.

نمونه ای کار تحقیقی و آمار آن

\**عواملی نظیر انتقام جویی، ابراز خشم ،تنفر و نارضایتی در اثر اجحاف و احساس ناکامی(43 درصد)،*

*\*****خودنمایی، خودابرازی و خود اثباتی(23 درصد)،****\* تفریح و بازی(14درصد)،*

*\*مبارزه با نظم موجود در جامعه(12 درصد)\*کسب حیثیت، قدرت و اعتبار در گروه (8 درصد)،*

همچنین نتایج تحقیق مذکور نشان می دهد که اغلب آنها مجرد هستند(71 درصد)و بالغ بر 62 درصد وندال های تحت مطالعه، فرزندان والدینی ناموفق در زندگی زناشویی و متعلق به خانواده های از هم پاشیده اند. حدود 38 درصد از این افراد دوران کودکی و نوجوانی خود را در محیط هایی بدون سرپرستی و حمایت روحی، عاطفی و مادی والدین اصلی خویش و در خانه های ناپدری، نامادری، مراکز اصلاح، پرورشگاه ها و نظایر آن گذرانده اند. محیط زندگی آنان مملو از تجارب نامطلوب و شرایط نامساعد از نظر تربیت و پرورش شخصیت های کجرو و 33 درصد روان نژند بودند. 33 درصد دارای والدینی معتاد ، 41 درصددارای دارای والدینی با سابقه ی مجرمیت و 61 درصد با تجربه ی تنبیه بدنی در منزل، مدرسه، و محیط اجتماعی خود بوده اند.

بالغ بر 58 درصد وندال های مورد بررسی دارای دوستان با سابقه ی بزهکاری بوده و 42 درصد از آنان در دارودسته ها و گروه های بزهکار عضویت داشته اند.

نتایج پیمایش مذکور نشان می دهد که میزان بیماری افسردگی و پرخاشگری در گروه وندال ها به مراتب بیش از گروه غیروندال است، به طوری که بالغ بر 70 درصد وندال ها به بیماری پرخاشگری و حدود 67 درصد به بیماری افسردگی دچار بوده اند.

**تئوریهای موجود در حوزه وندالیسم**

**- تئوری فشار**و ناکامی منزلتی (مرتن و آلبرت کوهن)
تئوری فشار توسط رابرت مرتن (1938) ارائه شده و بعد ها توسط آلبرت کوهن (1955) تئوری خود را در مورد خلافکاری نوجوانان تدوین نمود بسط عقاید مرتون است. مرتن شکاف بین اهداف و وسایل نظام مند جهت رسیدن به این اهداف را عامل اصلی در گرایش به سمت بزه در جوانان قلمداد می کند.اما طبق این تئوری افراد طبقات پائین احتمال بیشتری دارد که دچار کجروی شوندزیرا که اجتماع، آنها را به کسب موفقیت های بزرگ ترغیب می نماید اما ابزار رسیدن به آن هدفها را در اختیار آنها قرار نمی دهد. کوهن این تئوری را بدین صورت بسط می دهد که زمانی که آرزوهای طبقات پائین برای کسب منزلت از میان می رود، جوانان طبقات پائین تشویق می شوند که منزلت را با شرکت در خلافکاری میان خود جستجو نمایند و آنهائی که جسارت بیشتری داشته باشد به اعمال غیر قانونی و خلاف(جرم) و برخی دیگر به اعمال ضد اجتماعی چون تخریب اموال عمومی و زد خورد خیابانی کشیده می شوند.نوجوان طبقه پایین در اثر فقر اجتماعی ارزشمندی خود را از دست می دهد و نیازهای مشروع خود را ناکام احساس می کند. و یکی از راه هایی که برمی گزیند ورود به جرگه بزهکاری و انتخاب خرده فرهنگ بزهکارانه است. بدین ترتیب از دید کوهن شرایط و عامل ساختاری خانواده نوجوان و جوان را به سوی بزهکاری و انحراف سوق می دهد.

اگر چه مرتن شکاف بین اهداف و وسایل نظام مند جهت رسیدن به این اهداف را عامل اصلی در گرایش به سمت بزه در جوانان قلمداد می کند. کوهن عقیده دارد که شکاف بین اهداف و وسایل نظام مند اجتماعی از طریق ناکامی منزلتی موجبات بزه را در نوجوان و جوان فراهم می کند.

* **نظریه بر چسب زنی :**

نظریه پردازان نظریه برچسب انحراف را یک پدیده اجتماعی می دانند و بر این باورند که کجروی های اجتماعی ناشی از عوامل زیست شناختی و زیست شناختی نیست و منحرفان ذاتاً منحرف نیستند. بلکه این جامعه است که هدایت انحرافی را در افراد پدید می آورد.

بسیاری از جامعه شناسانی که در نظریه برچسب کار کرده اند. به خصوص هاوارد بکر معتقدند که گروههای اجتماعی قانون را بوجود می آورند و این گروهها هستند که مشخص می کنند که چه رفتاری وتحت تاثیر چه شرایطی باید انجام شود. وقتی قانونی وضع گردید، فردی که آن را زیر پا گذارد به عنوان فردی که نمی تواند خود را با قوانین گروه سازگار گرداند در نظر گرفته شده و بیگانه یا اجنبی خوانده می شود.

**- نظريه فرصت افتراقي «ادوين ساترلند))**

ادوين اچ. ساترلند در سال 1939 براي نخستين بار نظريه «همنشيني افتراقي» را مطرح ساخت. بنا بر اين نظريه، نزديكان و همسالاني كه بزهكار باشند تأثير زيادي بر تشكيل و تقويت نگرش بزهكاري مي گذارند و فرد را به سوي بزهكاري سوق مي دهند. به عبارت ديگر ساترلند معتقد است كه رفتار انحرافي از طريق داشتن روابط اجتماعي با انواع خاصي از مردم آموخته مي شود. بنابراين براي اينكه فردي بزهكار شود ابتدا بايد بياموزد كه چگونه مي توان مرتكب انحراف شد و تعريفهايي را فراگيرد كه توسل به رفتارهاي كجروانه را نوعي ارزش و نياز عمومي اعضاي جامعه محسوب كند. وي اين تعاريف را در فرايند همنشيني با بزهكاران فرا مي گيرد.

علاوه بر اين ساترلند معتقد است كه غالب رفتار تبهكارانه در درون گروههاي نخستين به ويژه گروههاي همآلان فراگرفته مي شود و تأثير گروههاي همآلان در دروه بلوغ به اوج خود مي رسد.

به تعبير ديگر ساترلند تحقق كجروي را مستلزم جامعه پذير شدن در نظامي از ارزشها مي داند كه او را تشويق به نقض هنجارهاي جامعه مي كند

نظریه ویلیام گود

گود با استفاده از مفهوم آنومی و کاربرد آن در نهاد خانواده هر گونه نابسامانی در این نهاد را در بروز شخصیت های بزه کار دخیل می داند.وی بر این اعتقاد است که هر گاه یک یا چند تن از اعضای خانواده نتوانند نقش های خود را به طرز شایسته ای انجام دهند ،خانواده در معرض گسیختگی قرار می گیرد.این گسیختگی معلول عوامل چندی است که عبارتند از :

الف-فقدان پدر که در اثر مرگ ،طلاق یا اشتغال بیش از حد رئی داده که در این حالت همه وظایف بردوش مادر است و نقش های پدرانه را نیز باید انجام دهد.

ب-فقدان مادر که در حالت هم اجرای نقش های مادرانه در خانواده با اختلال روبرو می شود.

ج-وجود روابط عاطفی ضعیف و حتی متعارض بین اعطای خانواده که موجب میسود کنش متقابل ضعیفی بین اعضا برقرار شده و حس همدلی و همراهی ضعیفی بین آنها وجود داشته باشد.

بنظر گود خانواده علاوه بر تامین نیازهای جسمی و عاطفی اعضای خود، به جریان شناخت خود و هویت یابی فرد کمک می نماید.همچنین تربیت و آموزش و رشد وشکوفایی استعدادهای فرزندان در خانواده صورت می پذیرد.

نقش مددکاران اجتماعی در وندالیسم

مددکاری اجتماعی به عنوان یک حرفه کاملا تخصصی می تواند بخش مهمی از اقدامات و برنامه دولتها برای مقابله با آسیبهاو مسائل اجتماعی باشد.متاسفانه هم اکنون بیشترین نقش در حوزه مسائل و آسیبهای اجتماعی در سطح دوم و سوم پیشگری در نظر گرفته می شود و کمتر به نقش مددکاران اجتماعی در سطح اول پیشگیری که در واقع مهمترین واصلیترین راهکار برای مقابله با مسائل اجتماعی می باشد توجه می شود .چرا که ما مددکاران اجتماعی معتدقیم رسالت ما بالا بردن کیفیت تک تک افراد جامعه می باشد به همین علت حرفه مددکاری اجتماعی جدا از نقشی که برای خود در درمان وبازتوانی افراد در نظر دارد تاکید بر شرکت در برنامه ریزی ها وسیاستگذاریها کلان دارد.

امروزه برای بیشتر آسیبهای اجتماعی و گروههای آن مراکز نگهداری و سازمانهای خاصی مورد نظر می باشد مثلا کودکان کار وخیابان ، افراد معتاد ، مراکز دختران فراری و کلینیکهای مشاوره و مددکاری اجتماعی که مددکاران اجتماعی می توانند در سطح دوم وسوم پیشگیری(درمان وبازتوانی) به گروههای هدف کمک کنند اما وندالیسم با توجه به ماهیت آن بر خلاف بیشتر آسیبهای اجتماعی مراکز مشخص و گروههای مشخصی که این کار را انجام می دهند در دسترس نیست و بیشترین اقدامات باید بر پایه پیشگیری اولیه و توانمند کردن تک تک افراد جامعه باشد

\*\*تاکید مددکاران اجتماعی به برقراری عدالت اجتماعی در جامعه و امکان دسترسی همه افراد جامعه به امکانات و وسایل مورد نظر به صورت مساوی چرا که مددکاران اجتماعی معتقدند در بروز آسیبها ی اجتماعی بیشتر از همه جامعه نقش دارد و برطبق نظریه مرتن و کوهن این عدم دسیابی به اهداف نهادینه شده است که گروههای جامعه را دچار ناکامی و طقیان میکند و آنها را به سمت آسیبهای اجتماعی سوق می دهد و باعث می گرد افراد در اولین فرصت وسایل و امکانان عمومی را تخریب کرده و ممکن است از این طریق به آرامش نسبی هم برسند

***\*\*تاکید مددکاران اجتماعی بر تامین سلامت اجتماعی و بالا بردن کیفیت حمایتهای اجتماعی به عنوان مهمترین فاکتور در تامین سلامت اجتماعی افراد جامعه***

حمایت اجتماعی به کمک‌هایی که از سوی خویشاوندان، دوستان و دیگر افراد به یک فرد اطلاق می‌شود. این کنش‌ها شامل کمک‌های عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی است:

**حمایت عاطفی:**به مواردی اشاره دارد که باعث می‌شود افراد احساس کنند مورد حمایت هستند. چنین حمایتی غالباً به شکل انواع غیرملموس است و کمک می‌کند که حس ارزشمندی در افراد تقویت شود.

**حمایت ابزاری:** کمک ابزاری به کنش‌های ارائه شده از سوی دیگران گفته می‌شود که به افراد کمک می‌کند تا مسئولیت‌های معمولی و روزمره خود، مثل نگهداری از بچه، تعهدات مالی و مسائل مربوط به کار را انجام دهند.

**حمایت اطلاعاتی:**کمک‌های اطلاعاتی به تبادل دیدگاه‌ها در زمینه کار، مشاوره یا فرصت‌های دیگری که ممکن است زندگی افراد را تسهیل کند می‌پردازد.

سلامت اجتماعی به چگونگی وضعیت ارتباط فرد با دیگران در جامعه یا  همان جامعه پذیری وی اشاره دارد. سلامت اجتماعی بر ابعادی از سلامت تاکید دارد که به ارتباط فرد با افراد دیگر یا با جامعه ای که در آن زندگی می کند مربوط است.

در حقیقت سلامت اجتماعی شامل عناصر متعددی است که این عناصر درکنار یکدیگر نشان می دهند که چگونه و در چه درجه ای افراد در زندگی اجتماعی خود خوب عمل می کنند. مثلاً به عنوان همسایه، همکار، همشهری و...

**شاخص های سلامت اجتماعی(کییز-2002)**

    **انسجام اجتماعی**احساس بخشی از جامعه بودن، فكر كردن به اینكه فرد به جامعه تعلق دارد. احساس حمایت شدن از طریق جامعه و سهم داشتن در آن

    **پذیرش اجتماعی**داشتن گرایش‌های مثبت نسبت به افراد، تصدیق كردن دیگران و به طور كلی پذیرفتن افراد علی‌رغم برخی رفتار سردرگم‌كننده  و پیچیده آنها. پذیرش اجتماعی مصداق اجتماعی از پذیرش خود (یکی از ابعاد سلامت روان ) است

    **مشارکت اجتماعی**این احساس كه افراد چیزهای باارزشی برای ارائه به جامعه دارند. این تفكر كه فعالیتهای روزمره آنها به وسیله جامعه ارزش‌دهی می‌شود.

    **شکوفایی اجتماعی**دانستن و اعتقاد داشتن به اینكه جامعه به شكل مثبتی در حال رشد است. فكر كردن به اینكه جامعه پتانسیل رشد به شكل مثبت را دارد

    **انطباق اجتماعی**اعتقاد به اینكه اجتماع قابل فهم، منطقی و قابل پیش‌بینی است. دانستن و علاقه‌مند بودن به جامعه و مفاهیم مربوط به آن

\*\* تاکید مددکاران اجتماعی به نقش خانواده در مسائل و آسیبهای اجتماعی و حضور حرفه ای وفعال در بالا بردن کیفیت زندگی خانواده ها با ارائه آموزش مهارتهای زندگی

مهارت های زندگی» بخش مهمی از برنامه درسی بیشتر نظام های دنیاست. در سال 1993 سازمان بهداشت جهانی این مهارت ها را با عناوین زیر مشخص و تاکید می کند که یادگیری آنها ، موجب جلوگیری از بحران های عمیق و فرسایشی در زندگی است.(از این جهت، آموختن مهارت های زندگی نه یک شیوه درمانی، بلکه یک روش کاربردی برای ارایه راه حل های قابل اجرا درزندگیواقعیانسانامروز است:

به طور خلاصه هریک از عناوین **مهارت های زندگی** به موارد زیر می پردازند**:**
**1-** مهارت «خود آگاهی» **:
2-** مهارت«همدلی» **:**
**3-** مهارت«روابط بین فردی و صمیمیت» **:**.
**4-** مهارت« ارتباط مؤثر» **:
 5-** مهارت«حل مسأله» **:**
**6-** مهارت«تصمیم گیری» **:
7-** مهارت«مدیریت هیجان» **:**.
**8-** مهارت«مدیریت استرس» **:**.

**9** مهارت«تفکر خلاق » **:**.
**10**-مهارت«تفکر انتقادی» **:**

***\*\* تاکید مددکاران اجتماعی بر حضور فعال در سیستم آموزشو پرورش و مدارس کشور***

آموزش و پرورش یكی از مهمترین و زیربنایی ترین حوزه های فعالیت مددكاری است، چرا كه سرمایه های اجتماعی هر جامعه ای در مدارس آن رشد می كنند. استعدادها در مدارس شناخته و شكوفا می شوند و خلاقیت ها نیز برای پرورش و ثمردهی به بستری مناسب در محیط های آموزشی نیاز دارند. به عبارت دیگر می توان گفت اگر آموزش و پرورش این وظایف خود را به درستی انجام دهد، سلامت جامعه را تضمین كرده است. مددكاری اجتماعی در مدارس از این جهت حائز اهمیت است كه آموزش و پرورش را برای رسیدن به این هدف اصلی، یعنی تأمین و تضمین سلامت جامعه یاری می كند.

توجه به خدمات مددكاری مدارس، در كشوری كه حدود ۲۰ میلیون نفر كودك و نوجوان سرویس گیرنده های مستقیم آموزش و پرورش رسمی آن هستند، لازم و ضروری به نظر می رسد.

یکی از مهترین راهها برای پیشگیری از آسیبها و مسائل اجتماعی بخصوص وندالیسم حضور مددکاران اجتماعی در مدارس کشور است متاسفانه بر خلاف تمام دنیا این امر اصلا مد نظر مسئولین نبوده است و بیشترین تاکید بر حضور مشاور در مدارس است ،مشاور بیشتر با خود فرد سرو كار دارد اما مددكار با خانواده، محیط اطراف و دوستان او و در یك كلام با جامعه فرد سر و كار دارد. اما در حال حاضر در مدارس آموزش و پرورش ردیفی تحت عنوان مددكار اجتماعی تعریف نشده و تنها مشاور اجازه فعالیت دارد

- مددکار اجتماعی می تواند در نقش میانجی پلی باشد بین دانش اموز و اولیا مدرسه

- مددکار اجتماعی می تواند درامر آموزشهای مهارتهای زندگی به خانوده ها ودانش آموزان نقش ایفا کند و رابطی باشد بین دانش آموزان و خانوادها

- مددکار اجتماعی می تواند با شناسایی دانش اموزان مشکل دار و شناسایی نوع مشکلات آنها در - برنامه ریزیهای و سیاستگذاریهای مربوط به آنها مشارکت داشته باشد

- مددکار اجتماعی می تواند در ایجاد محیطی شادتر وبهتر با ارتباطی که با سایر قسمتها می گیرد موثر باشد

منابع :

1\_ محسني‌تبريزي، عليرضا. 1383. ونداليسم؛ مباني روان شناسي اجتماعي، جامعه شناسي و روان شناسي رفتار ونداليستي در مباحث آسيب شناسي و كژرفتاري اجتماعي. نشر آن. تهران.

2\_ ضابطی، حسن ( مدرس دانشگاه علامه طباطبایی). وندالیسم.

3\_ حمدي علي آبادي، كاوه (1380). شناخت شناخت ها، انتشارات فرهنگ كاوش، تهران.

4\_ احمدي علي آبادي، كاوه (80 ـ 1379). جايگاه عرف و باورها و رفتارهاي عامه در كسب دانش و شناخت خلاق، نمونه اي موردي در جامعه ايران، مركز بين المللي گفتگوي تمدنها، تهران.

5\_ محسني و همكاران (1380) بررسي آگاهي ها، نگرش ها و رفتارهاي اجتماعي و فرهنگي در تهران، آئينه پژوهش، تهران، موسسه پژوهشي فرهنگ، هنر و ارتباطات.

6\_ محسني تبريزي، عليرضا (1367) مباني نظري و تجربي ونداليسم، نامه علوم اجتماعي، شماره7.

7\_ پيران، تحليل جامعه شناختي از مسكن شهري در ايران، نامه انجمن جامعه شناسي ايران. شماره،۶،۱۳۶۷ صص۴۳ ـ.۴۴

8\_ سايت اطلاع رساني تبيان

9-مقاله آسیب شناسی رفتارخشونت آمیز جمعی جوانان :دكتر انور صمدي راد

**آزاد دارابی :دکتری مددکاری اجتماعی مدیرگروه و مدرس رشته مددکاری اجتماعی دانشگاه علمی کاربردی کرمانشاه**